

## نقاش ماهری که سوم شهریور را بوجود آورد.\*

نه سال پیش در چنین روزهایی ملت ایران، با آشوب و اغتشاشی بزرگ دست به گریبان بود که به طور ناگهانی بر اثر حمله قوای انگلستان و شوروی از شمال و جنوب کشور، به وجود آمد، و پس از یک دوران آرامش بیست‌ساله تمام شئون مملکت را از هم پاشیده و متلاشی کرده بود.

درباره سوم شهریور ۱۳۲۰ و حوادث دردناک و عبرت‌انگیز آن تاکنون مقالات نوشته شده و راجع به جزئیات این واقعه بزرگ تاریخی که صفحه جدیدی در حیات ایران و ایرانیان باز کرد به طور مکرر در جرائد و رسالات بحث و قلم‌فرسایی شده است. در این تردیدی نیست که اگر سیاست ملی و مستقل و عاقلانه‌ای هنگام بروز این حوادث نامطلوب از طرف زمامداران ایران تعقیب می‌شد، هیچگاه سوم شهریور به وجود نمی‌آمد و یا اگر هم متفقین بنا به اجبار به حکم ضرورت جنگ ناچار بودند خاک ایران را اشغال کنند، چنین عملی را با ستیزه‌جویی و خشونت‌هایی که نتیجه‌اش گسیختن شیرازه امور و پریشان شدن حیات سیاسی و اجتماعی ایران بود، انجام نمی‌دادند. بنایی که بر پایه سست و لرزان استوار باشد هرگز سرپای خود نمی‌ایستد و به ملایم‌ترین و بی‌آزارترین نسیم، یا کوچکترین تکانی واژگون می‌شود و درهم می‌ریزد. اصلاحات سریع قبل از شهریور هنوز آنقدر کافی نبود که ایران را روی پای خودش بند کند و ناچار به محض وزیدن نسیم مخالفی این بنای سست فرو ریخت، اوضاع قرین بی‌نظمی، اغتشاش شد، و کشور در چنگال هرج و مرج و آشوبی عظیم و بی‌سابقه افتاد که هنوز هم با

\* . فردوسی - شماره ۵۴ - سال ۱۳۲۹

وجود همه کوشش‌ها نتوانسته است خود را نجات دهد و آرامش و انتظامی را که لازمه اصطلاحات اساسی است بازگیرد.

البته علت فوق یکی از علل به وجود آمدن سوم شهریور و از هم گسیختن شیرازه مملکت بود، برای حوادث بزرگ تاریخی نظیر سوم شهریور که جریان زندگی ملتی را تغییر می‌دهند مبدأ و علت واحد تصورکردن خطاست این‌گونه حوادث معلول علل مختلفی هستند و همانطوری که یک تابلوی نقاشی را نقاش، مداد، قلم‌مو، رنگ و بالاخره کاغذ یا پرده به وجود می‌آورد یک حادثه تاریخی از قبیل سوم شهریور نیز مولود عوامل و علل مختلف و حتی متضاد است که تشریح و تحلیل آن حادثه بدون شناسایی این عوامل امکان ندارد!

نقاش ماهر صحنه‌ساز سوم شهریور را عوام مردم ایران اگر نشناسند (و خوشبختانه می‌شناسند!) خواص مردم ایران به هويت آن آشنایی دارند.

جناب «جون بول» با آن کلاه بزرگ سیلندر با تقویت ایران می‌خواست راه پیشرفت «خرس» را به طرف خلیج فارس سد کند و به همین جهت از استقلال و تمامیت ارضی ایران دم می‌زند و خودش را به سرنوشت کشور و نفت علاقمند نشان می‌داد ولی ناگهان اوضاع دگرگون شد و شخصی گمنام بر روی خرابه‌های امپراطوری «عقاب» قد علم کرد و خواست کوس آقایی بر دنیا بکوبد، برای سرکوبی هیتلر انگلستان احتیاج به کمک روسیه داشت و ایران راه ارتباط بر روسیه بود، به همین جهت به حکم ضرورت می‌بایست این گوسفند بدبخت قربانی شود.

افکار عمومی ایرانیان «جون بول» را مسبب واقعی حوادث شوم سوم شهریور و انحطاط و فساد عجیبی که بر اثر آن در تمام شئون مملکت رخنه یافت می‌شناسد. این نقاش ماهر بود که با استادی خارق‌العاده و در نتیجه استفاده از شرایط زمان و مکان، برای پیشرفت مقصود، روسیه و امریکا و دیگران را مثل قلم‌مو و مداد و رنگ و کاغذ بکار انداخت و عاقبت هیتلر دشمن سرسخت امپراطوری انگلیس را به زانو درآورد و پس از جنگ نیز آمریکا و روسیه را به جان هم انداخته بی‌سروصدا مشغول کار خود شد. انداختن مسئولیت حوادث سوم شهریور بدوش زمامداران «لندن» دلیل این نیست که ما ایرانیان نسبت به این دولت بزرگ و قوی پنجه کینه و خصومتی در دل پپورانیم بلکه باید از استادی و مهارت این نقاش زبردست سیاست سرمشق بگیریم، چنانکه ترکها در طی جنگ جهانی دوم با پیروی از اصول چنین سیاستی، خاک خود را از تعرض بیگانه محفوظ داشتند و هم از آلمان و هم از دشمنانش استفاده‌های شایان بردند. بلی! اگر زمامداران ما سیاست ملی و عاقلانه‌ای را تعقیب می‌کردند، اگر به فکر پر کردن جیب و حفظ